

فصل اول : کلیات، تعاریف مربوط به مسئله دین

دین در لغت به معنای اطاعت کردن، فرمانبرداری کردن، سرسپاری، تسلیم و جزا (پاداش و کیفر می باشد. اما برخی از دانشمندان علوم اسلامی با توجه به گوهر و ذات دین منشأ و خواستگاه دین و به اعتبار تعدد ادیان، تقسیمات مختلفی را در خصوص تعاریف دین نام برده اند:

۱. **تعریف عام دین** : در این تعریف دین به معنای مجموعه تعالیم اعتقادی، اخلاقی و قوانین و مقررات می باشد. ویژگی این تعریف عام بودن و کلی بودن آن می باشد و این معنا از کاربرد قرآنی آن قابل استفاده می باشد. به عنوان مثال هنگامی که فرعون به اطرافیان خود ضمن دستور دادن به کشتن حضرت موسی (ع) گفت: «من می ترسم که موسی آیین (دین) شما را تغییر دهد.»^۱ علامه طباطبایی با الهام از چنین کاربردی دین را به راه و رسم زندگی تعریف کرده است. همچنین این تعریف شامل تمامی ادیان توحیدی و غیرتوحیدی و آیین بت پرستی می باشد.
۲. **تعریف خاص دین** : عبارت است از آیین قدسی و خدامحور. ویژگی این تعریف این است فقط شامل ادیان توحیدی می شود و افرادی که به خداوند اعتقاد ندارند در این تعریف نمی گنجد.
۳. **تعریف اخص دین** : که عبارت است از تعالیمی که توسط پیامبر (ص) در قرن هفتم میلادی انسانها عرضه شد (دین اسلام). ویژگی تعریف فوق این است که در تعریف اخص دین :

الف - اعتقاد به خداوند، عدل، اعتقاد به زندگی اخروی و ب - داشتن برنامه ای منسجم و هدف دار که احکام و تکالیف نامیده می شود، از ویژگی های این تعریف است.

روش تحقیق در مبانی دین:

ارزش و اهمیت تحقیق در مبانی دین بر هیچ یک از دین پژوهان پوشیده نبوده و با توجه به اثبات الف) حقانیت آیینی بر آیین دیگر، ب) تحکیم مبانی اعتقادی و ج) دفاع از ارزش های دینی، لازم و ضروری می باشد و با توجه به دلایل مذکور روش تحقیق در مبانی دین در چهار قسمت تقسیم شده است :

^۱ اِنِّیْ اَخَافُ اَنْ یُّبَدِّلَ دِیْنَکُمْ. غافر / ۲۶

استدلالی عقلانی بر ضرورت بعثت انبیاء (ع):

برهان فوق از سه مقدمه تشکیل شده است :

- ۱- هدف از آفرینش انسان این است که از طریق اراده، اختیار و انتخاب خویش راه سعادت را بییماید.
- ۲- اختیار و اراده صحیح نیاز به شناخت همه جانبه نسبت به امور شایسته و ناشایسته دارد و انسان زمانی می تواند انتخابی صحیح داشته باشد که هم هدف، هم راه رسیدن به آن و هم از فراز و نشیب های مسیر آگاهی داشته باشد.
- ۳- شناخت های عادی و متعارف انسان ها که از همکاری حس و عقل (تجربه) بدست می آید، هرچند که ممکن است برخی از نیاز های مادی انسان ها را برطرف کند اما این گونه شناخت برای باز شناختن مسیر سعادت حقیقی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی کافی نبوده و اگر راه دیگری برای رفع این کمبود ها وجود نداشته باشد هدف از خلقت و آفرینش انسان محقق نمی شود.

نتیجه = با توجه به مقدمات گفته شده حکمت خداوند اقتضا می کند که راه دیگری فراتر از حس و عقل برای شناخت همه جانبه مسیر تکامل وجود داشته باشد و آن همان وحی است.

بیان شبهه پیرامون بعثت انبیاء در یک منطقه خاص جغرافیایی (خاورمیانه)

اگر از لحاظ حکمت خداوند ضروری باشد که همه انسانها راه سعادت را بییماوند، چرا همه پیامبران در یک منطقه خاص جغرافیایی مبعوث شده اند؟ با توجه به اینکه وسایل ارتباط جمعی از قبیل ماهواره، اینترنت و... وجود نداشته و تبادل اطلاعات به کندی صورت می گرفته است.

پاسخ :

ارسال پیامبران اختصاص به منطقه خاصی نداشته و قرآن کریم به روشنی بیان می دارد که : « و هیچ امتی نبوده، مگر اینکه هشدار دهنده ای برای گذشته است. (عبور کرده است).»^۲ و اگر در قرآن کریم تنها نام عده محدودی از پیامبران ذکر شده است، این بدان معنا نمی باشد که تعداد انبیاء منحصر در همین افراد است. خداوند در سوره نساء در آیه ۱۶۴ می فرماید : « و پیامبران بوده اند که داستان آنها را برای تو بازگو نکرده ایم.»^۳

^۲ « وَ إِن مِّن أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ » / فاطر ۲۴

^۳ « وَ رُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ... » / نساء ۱۶۴

دلیل منکران بعثت انبیاء (شبهه براهمه هند):

در طول تاریخ افرادی بوده اند که منکر بعثت پیامبران شده اند (براهمه هند). این گروه معتقدند آموزه های وحیانی خداوند بر پیامبران از دو حال خارج نیست که عبارتند از:

۱. موافق عقل که در این صورت عقل انسانها قادر به درک آنها می باشد.

۲. مخالف عقل که عقل انسانها نیز قادر به درک آن نمی باشد.

پس به صورت کلی با آموزه هایی روبرو هستیم که با موافق عقل بشری ایست و یا مخالف عقل بشری است، بنابراین نیاز به مبعوث شدن پیامبران از جانب خداوند نمی باشد.

پاسخ:

آموزه های وحیانی به سه دسته تقسیم می شوند:

الف - گزاره هایی که موافق عقل می باشند.

ب - گزاره هایی که عقل ستیز اند (خردستیز)

این دو گروه از آموزه ها در گروه آموزه های وحیانی قرار نمی گیرند. و یا حداقل می توان بیان کرد که در هنگام مواجهه با این گونه از آموزه ها معنای ظاهری آن منظور نیست، بلکه باید به معنای باطنی آن مراجعه شود.

ج - گزاره های فراحسی و فراعقلی:

عقل انسان توانایی درک صحیح این گونه گزاره ها را ندارد، مثل درک عالم ملکوت و جزئیات مربوط به عالم قیامت و روز محشر.

اقسام نزول وحی: (معانی وحی در قرآن کریم)

خداوند در سوره الشوری در آیه ۵۱ می فرماید: «و هیچ بشری را یارای آن نباشد که خدا با او سخن گوید مگر به وحی (و الهام خدا) یا از پس پرده غیب عالم (و حجاب ملکوت جهان) یا رسولی (از فرشتگان عالم بالا) فرستد تا به امر خدا هر چه او خواهد وحی کند، که او خدای بلند مرتبه حکیم است.»^۴

با توجه به آیه فوق اقسام نزول وحی عبارتند از:

^۴ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٍ / الشوری ۵۱

۱. اِلَّا وَحِيًّا :

در اینگونه از وحی واسطه ای وجود ندارد و خداوند با پیامبر خود بدون هیچگونه واسطه و حجابی سخن می گفته است. علامه طباطبایی معتقد است که اینگونه وحی اختصاص به پیامبر اسلام (ص) دارد و در آیه پایانی سوره بقره^۵ در معراج و بدون واسطه بر پیامبر نازل شده است.

۲. مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ :

این گونه از وحی نیز خود دارای اقسامی می باشد که عبارتند از :

۱-۲- گاهی پیامبر حقایقی را در عالم رویا مشاهده می کند (بجر صادق)، مثلاً دستور ذبح حضرت اسماعیل توسط حضرت ابراهیم (ع)

۲-۲- گاهی خداوند با ایجاد صوت در پدیده ای با پیامبر خود سخن می گوید.

۳-۲- گاهی وحی به صورت نوشته ای بر لوح نازل می شده است.

۳. يُرْسِلَ رَسُولًا :

گاهی پیک حق فرامین الهی را بر قلب پیامبر نازی می کند.

تفاوت الهام با وحی :

تعریف الهام

عبارت است از ادراک بی مقدمه و ناگهانی که گاهی به صفحه دل و جان انسان ها می نشیند و انسان ها منشأ آنرا نمی دانند و در زمانی که انتظار ندارند موضوعی برای آنها آشکار می گردد. از جمله مواردی که در خصوص اختلاف بین الهام با وحی وجود دارد عبارتند از :

^۵ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. - خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او، نیکی های هر کس به سود او و بدی هایش نیز به زیان خود اوست. پروردگارا، ما را بر آن چه به فراموشی یا به خطا کرده ایم مؤاخذه مکن. بار پروردگارا، تکلیف گران و طاقت فرسا که بر پیشینیان ما نهاده ای بر ما مگذار. پروردگارا، بار تکلیفی فوق طاقت ما بر دوش ما منه، و بیمارز و ببخش گناه ما را، و بر ما رحمت فرما، تنها آقای ما و یاور ما تویی، پس ما را بر گروه کافران یاری فرما. / البقره ۲۸۶

۱) وحی تنها بر پیامبران نازل می شود اما الهام بر دل هر انسانی ممکن است فرود آید. وحی از اختصاصات انبیاء (ع) و یکی از لوازم نبوت است.

۲) وحی اعم از الهام است. الهام وحی ادراک و احساس درونی است که گاهی به انسان ها دست می دهد، در حالیکه وحی گاهی با فرود آمدن فرشته و با سخن گفتن خداوند با پیامبر و هرگاه ضرورت ایجاب کند بر قلب پیامبر نازل می شود.

۳) محتویات وحی، دستورات و تکالیفی است که برای رشد و کمال تمامی انسان ها می باشد اما الهام بیشتر جنبه شخصی دارد و ضامن کمال دیگران نیست.

۴) محتویات وحی را باید بدون چون و چرا پذیرفت ولی الهامی که بر اشخاص صورت می گیرد از چنین ویژگی برخوردار نیست و موجبات یقین را فقط برای خود فراهم می کند.

۵) منشأ الهام مشخص نیست، یعنی الهام همواره نمی داند از کجا و چگونه به او الهام شده است ولی وحی بر خلاف آن مشخص و معین است، یعنی پیامبر می داند از جانب خداوند به او وحی شده است.

۶) در الهام تبلیغ وجود ندارد، یعنی شخص الهام گیرنده ناگزیر از تبلیغ دستاورد های درونی خویش نیست اما پیامبر مکلف به ابلاغ وحی می باشد و اگر به آن عمل نکند رسالت وی ناتمام است.

راه های شناسایی انبیاء :

۱. جمع آوری قرائن و شواهد و یاراه علمی.

۲. بشارت انبیاء پیشین.

۳. اعجاز.

تعریف معجزه :

معجزه عبارت است از انجام کاری غیر عادی برای اثبات رسالت به گونه ای که انسان ها از انجام آن ناتوان باشند. به بیان دیگر هر شخصی که ادعای پیامبری می کند باید برای اثبات رسالت خویش کاری را انجام دهد که با نظام عادی جهان سازگار نبوده و بر خلاف آن باشد و انسان ها نیز از انجام آن ناتوان باشند.

شرایط معجزه :

۱- معجزه عمل خارق العاده ای است که با اسباب و مسببات عادی جهان سازگار نیست. مثل اینکه حضرت موسی عصای خود را به زمین می افکندند و تبدیل به اژدها می شد و یا حضرت عیسی (ع)

مردگان را زنده می کرد و نابینایان مادرزادی را شفا می داد و هیچ یک از این امور با نظام عادی جهان سازگار نیست.

۲- معجزه خلاف نظام عادی جهان است نه آنکه مخالف عقل و منطق باشد. مثلاً اگر فردی ادعای ربوبیت کند یعنی خداوند جهان است، این مسئله خلاف عقل و منطق می باشد. بنابراین هیچگاه قابل پذیرش نیست.

۳- معجزه از قلمرو تعلیم و تربیت است. اگر عملی خارق العاده باشد اما از طریق علم واقعیت یافتن آن میسر باشد آن عمل معجزه نیست.

۴- آورنده معجزه باید مدعی مقام نبوت باشد زیرا به وسیله آن میخواهد اثبات کند که از جانب خداوند مبعوث شده است تا مردم را هدایت کند، ولی اگر فردی اموری خارق العاده انجام می دهد ولی ادعای نبوت ندارد، عمل او کرامت نام دارد.

۵- آورنده معجزه باید مرد را به مقابله با آن دعوت کند. مردم نیز از انجام آن ناتوان باشند.

۶- عمل آورنده معجزه باید مطابق با ادعایش باشد یعنی هر پیامبری هر عملی را به عنوان مجزه مطرح می کند همین عمل تحقق و عینیت پیدا کند.

انواع محالات :

محالات (غیر ممکن ها) به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. محال ذاتی یا عقلی :

اینگونه از محال عبارت است از اینکه هم فرض وجود چیزی محال باشد و هم اصل تحقق آن. به بیان دیگر، محال ذاتی چیزی است که منجر به اجتماع دو امر نقیض شود. مثل اینکه فردی هم داخل کلاس باشد و هم خارج کلاس باشد، یعنی امکان ندارد در آن واحد یک فرد در دو مکان وجود داشته باشد.

۲. محال وقوعی :

اینگونه محال عبارت است از اینکه فرض وجود خبری محال نیست اما اصل تحقق آن محال است. مثلاً در گذشته تصور می کردند که بیماری مالاریا ناشی از آلودگی آب و هواست ولی بعداً مشخص شد که ناقل آن پشه آنوفل است. فرض اینکه علت بیماری آلودگی آب و هوا باشد خلاف واقع بوده اما عل این بیماری آلودگی آب و هوا نبوده است.

۳. محال عادی :

یعنی اینکه پدیده ای معلول علل عادی نباشد، یعنی آنکه از راهی غیر از نظام عادی ناشی شده است. بارزترین مثال برای اینگونه محالات معجزات پیامبران می باشد.